ایران در دی ماه ۱۴۰۴ در حالی شاهد تلخ‌ترین وقایع چند دهه اخیرش بود که اعتراضات مردم در ابتدا رنگ و بوی اقتصادی داشت اما همانطور که از مدت‌ها پیش بسیاری از تحلیل‌گران اجتماعی، فعالان سیاسی و مدنی در باب خطر انباشته شدن مطالبات بی‌پاسخ مانده شهروندان هشدارهایی داده بودند و شاید به دلیل چالش‌های متعدد داخلی و خارجی توجهی به آنها نشد، سرانجام این مطالبات به جا مانده از ناآرامی‌های پیشین در بستر اقتصادی سر باز کرد و بر اساس اطلاعیه‌ای که ۱۲ بهمن ماه از سوی دفتر ریاست‌جمهوری منتشر شد، ۳۱۱۷ تن جان باختند.

اکنون پرسش‌های اساسی و محوری این است که شرایط رقم خورده تا چه اندازه ریشه در مطالبات اقتصادی دارد و تا چه اندازه سایر عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در آن نقش دارند؟ برای برون رفت از آن چه باید کرد؟ راهکارهای عملی کدامند؟ خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در راستای رسالت اطلاع‌رسانی خود از زمان آغاز اعتراضات دی ماه سلسله گفتگوهایی را با فعالان سیاسی برجسته کشور، اندیشمندان، حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان در راستای واکاوی ریشه اعتراضات برگزار کرده است.

آنچه در ادامه می آید مشروح گفتگوی تفصیلی با محمود صادقی عضو جبهه اصلاحات، حقوقدان و مدرس دانشگاه است.

ریشه اعتراضات اخیر را ناشی از چه عواملی می‌دانید؟

محمود صادقی: فکر می‌کنم اعتراضات اخیر که با این شکل و شمایل،گستردگی و میزان جان‌باختگان، مجروحان و بازداشت‌ها و همچنین تخریب زیرساخت‌ها در سطح کشور،نقطه اوج اعتراضات مردمی در ایران پس از انقلاب است؛ نشانگر انباشت مطالبات پاسخ داده‌نشده و انتظارات متراکم طی سال‌های مختلف بوده که با محرک‌هایی برانگیخته شد.

شاید محرک اصلی آن شرایط معیشتی کنونی بود که غیرقابل انکار است؛ تأثیر تغییرات ناگهانی نرخ ارز و نوسانات آن، تصمیماتی که ناشی از حذف ارز ترجیحی در کالاهای اساسی بود و تاثیرات آن در بازار، نگرانی‌هایی در اقشار مختلف جامعه به ویژه در اقشار فرودست ایجاد کرد. اگر الگوی مکانی اعتراضات را بررسی کنیم، نقطه ثقل آن بیشتر در مناطقی بود که مردم بیشترین آسیب‌های اقتصادی را تحمل می‌کنند، یعنی نقاط حاشیه‌ای و مناطقی که هر تغییری در نرخ‌ها بلافاصله در سفره مردم اثر می‌گذارد و موجب نگرانی آنها می‌شود.

البته نباید تأثیر مداخلات نیروهای سیاسی داخلی و خارجی را نادیده گرفت زیرا این مداخلات جرقه‌ای به اعتراضات زدند اما به هر حال اعتراضات نتیجه انباشت نارضایتی‌های گذشته بود که به آن پاسخ داده نشده بود و خشم فروخورده جامعه به تدریج سر باز کرد.

چرا در طی چند دهه به مطالبات مردم پاسخ داده نشد و این مطالبات انباشته شده است؟

محمود صادقی: مردم احساس می‌کنند که در مجموعه مدیریت کشور نماینده‌ای ندارند زیرا نهادهایی که باید نمایندگی مردم را بر عهده داشته باشند عملاً از کار افتاده‌اند. این بی‌توجهی و عدم ارتباط باعث شده تا صدای مردم شنیده نشود. نارضایتی مردم در گذشته در قالب‌های مختلفی مانند کاهش میزان مشارکت در انتخابات خود را نشان داده بود.

حتی در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری با اینکه نظام انعطاف‌هایی نشان داد و کاندیدای متفاوتی تأیید شد اما میزان مشارکت به سختی به نزدیک ۵۰ درصد رسید که این آمار نشان‌دهنده نارضایتی مردم است. در دوره اول انتخابات، مشارکت حدود ۴۰ درصد بود و به علت امیدواری هایی که ایجاد شد ۱۰ درصد نیز در دوم به آن اضافه شد اما بلافاصله بعد از انتخابات با تصمیمات جدیدی از جمله چینش کابینه و اتفاقات بعدی مردم از نهادهای نمایندگی خود ناامید شدند و به خیابان‌ها آمدند چرا که احساس کردند تنها راه ابر ایرنا: علاوه بر مواردی که به آن اشاره کردید به نظر شما در چه زمینه های دیگری باید بازنگری صورت بگیرد تا از این وضعیت عبور کنیم؟

حق اعتراض، تجمع و برگزاری تظاهرات باید به عنوان یک حق مدنی اساسی به رسمیت شناخته شود، صرف نظر از اینکه موضوع اعتراض چیست، این یک حق بنیادین است که علاوه بر اصل ۲۷ قانون اساسی در اصل ۲۱ متمم قانون مشروطه نیز به آن اشاره شده است. همچنین در اسناد بین‌المللی که ایران عضو آن‌ها است مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق سیاسی و اجتماعی نیز این امر به عنوان یک حق بنیادین شناخته شده است.

اما بعد از ۴۷ سال هنوز نتوانسته‌ایم برای آن یک سازوکار مناسب ایجاد کنیم هر چند در مجالس و دولت‌های متفاوت مباحث مربوط به آن مطرح بوده است. بنابراین باید برگزاری تجمعات را به عنوان یک هنجار و سازوکار قانونی به رسمیت

اعتراضات دی نشانگر انباشت مطالبات پاسخ داده‌نشده در طی سال‌ها بود

مردم از وضعیت موجود ناراضی هستند

بشناسیم. باید این امکان برای مردم فراهم شود تا اگر صدای آنها از طریق نهادهای نمایندگی‌کننده به گوش مسئولین نمی‌رسد، بتوانند مطالبات خود را از طریق برگزاری تجمعات و اجتماعات به گوش مسئولین برسانند. حتی در کشورهای دموکراتیک که نهادهای نمایندگی‌کننده وجود دارند، این حق در کنار آن نهادها برای مردم به رسمیت شناخته شده و احزاب رسمی و غیره می‌توانند از آن استفاده کنند.

متاسفانه ما حق برگزاری تجمعات را به یک تابو تبدیل کرده‌ایم در حالیکه نباید آن را تهدید بدانیم بلکه یک فرصت است تا مردم جمع شوند و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولین برسانند؛ این مسئله باید در حاکمیت دیده شود و تغییرات لازم صورت گیرد. در اصل ۲۷ قانون اساسی ایران این حق قانونی مردم مشخص شده و تصریح شده است که اعتراضات صرفا نباید «مسلحانه» و «مخالف مبانی اسلام» نباشد؛ این شروط در سایر نقاط جهان نیز پذیرفته شده است. حق بر گزاری تجمعات را به تابو تبدیل کرده‌ایم در حالیکه نباید آن را تهدید بدانیم بلکه یک فرصت است

مجلس شورای اسلامی در حال تصویب قانونی برای تجمعات است؛ ارزیابی شما از این مسئله چیست؟

محمود صادقی: شورای نگهبان از سال ۶۰ موضعی نسبت به گذاشتن هرگونه قید برای اجتماعات دارد که به نظر درست می‌آید زیرا برگزاری تجمعات نیاز به مجوز ندارد و این حق باید بدون محدودیت و قید قانونی اجرایی شود. حتی در زمان دولت آقای روحانی وقتی مصوبه‌ای از سوی دولت در این زمینه به تصویب رسید، دیوان عدالت اداری آن را به دلیل مغایرت با اصل ۲۷ ابطال کرد. بنابراین با توجه به قانون اساسی اگر شورای نگهبان همچنان به این موضع ملتزم باشد اصل ۲۷ اطلاق دارد، البته نمی‌دانم در نهایت موضع شورا چه خواهد بود.

در حال حاضر که در مجلس طرحی برای قانون‌گذاری در مورد تجمعات مطرح شده است، باید دقت کنیم که هر گونه قید جدید مانند نیاز به «اخذ مجوز»، مغایر با اصل ۲۷ قانون اساسی است. شخصاً متن دقیق این طرح را پیدا نکردم و ظاهرا منتشر نشده است اما با توجه به مذاکرات نمایندگان مجلس، برخی از آنها پیشنهادهایی برای ایجاد قیدهای جدید داشتند. اگر چنین قیدهایی اعمال شوند، ممکن است این طرح همان سرنوشت طرح قبلی را پیدا کند. اگر بنا است این اصل اجرا شود نباید معطل قانون شود و فقط باید ساز و کارهای اجرای اصل ۲۷ بدون قید و بند فراهم شود.

مشکل اصلی ما در قانون نیست، مجموعه ما باید به اندازه ای ظرفیت داشته باشیم که صدای مردم را بشنویم و تحمل اعتراضات مسالمت‌آمیز را داشته باشیم. در بسیاری از کشورهای دنیا این مسأله به راحتی با هماهنگی پلیس و حتی گرفتن هزینه‌هایی برای تأمین امنیت تظاهرکنندگان حل می‌شود؛ مثلاً در لندن پلیس برای حفظ امنیت تظاهرات از تظاهرکنندگان هزینه‌ای می‌گیرد.

زمانیکه نماینده مجلس بودم، پیشنهاد دادم تا یک مکان مشخص در میدانی مانند بهارستان برای تجمعات عمومی در نظر گرفته شود و مردم با اطلاع قبلی جمع شوند، شعارها و مطالبات خود را بیان کنند و قطعنامه مطالبات خود را به مجلس تحویل دهند. بنابراین قانون تجمعات باید در همین حد باشد و اگر بخواهیم دوباره به آن قیودی بیفزایم و به شورای نگهبان برود و بازگردد این یعنی سرکار گذاشتن؛ اگر در نظام سیاسی جدیتی برای استیفای این حق وجود داشته باشد دیگر نیازی به این قیود نیست.

به نظر می‌رسد نقطه عزیمت حوادث اخیر تجمعات صنفی کسبه و بازاریان بود، اما برخی تحلیل‌ها حاکی از این است که این اعتراضات صرفا ریشه اقتصادی نداشت و عوامل دیگری نیز در آن دخیل بوده اند، ارزیابی خود را بفرمایید.

محمود صادقی: همانطور که قبلاً اشاره کردم، علت خشم این است که مردم احساس می‌کنند مسئولین یک راه را می‌روند و مردم راه دیگری و به عبارتی نیازها و مشکلات مردم در اولویت قرار ندارد و حاکمیت صرفا می‌خواهد مشکلات خود را حل کند. حذف ارز ترجیحی نیاز به زمان‌بندی مناسب و اطلاع رسانی دقیق درمورد اجرای طرح داشت تا مردم بتوانند به تدریج خود را با آن تطبیق دهند.

به نظر می‌رسد که از ابتدای دولت، زمانی که آقای همتی رئیس بانک مرکزی بودند، ایشان نیز روی تک‌نرخی کردن ارز پافشاری داشتند. تقریباً از یک سال و نیم پیش این برنامه وجود داشته و به تدریج مدون شده و در دی ماه به اجرا درآمد و همزمان با اعتراضات مردم شد.

محمود صادقی: این موضوع باید به طور جدی از سوی مسئولین اقتصادی پاسخ داده شود؛ قطعاً تک‌نرخی کردن ارز مانند سایر نقاط جهان در نهایت می‌تواند به نفع اقتصاد باشد. اما یک مسأله ریشه‌ای‌تر هم وجود دارد که از آن به دلاریزه کردن اقتصاد ایران تعبیر می‌شود؛ چرا اقتصاد ایران باید تا این حد با دلار پیوند داشته باشد. این مسئله ریشه‌هایی دارد که باید حل شوند نه اینکه فقط بدون توجه به ریشه‌ها و مشکلات ساختاری، بگوییم ارز تک‌نرخی شود.

در سال ۱۳۹۷، بعد از خروج ترامپ از برجام، دولت وقت متوجه شد که نمی‌تواند به‌طور یک‌باره پشت مردم را خالی کند و ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی تدبیری برای پیشگیری از فشار نیامدن به توده‌های مردم بود. حالا که دولت ارز را تک نرخی کرده است باید میزان تحمل مردم و انتظارات تورمی را نیز در نظر بگیرد. من با آقای احمدی‌نژاد همسو نیستم اما زمانی که وی خواست ارز را تک نرخی کند، ابتدا مقدمات لازم را فراهم کرد، صحبت‌هایی انجام داد و پیش از اجرای آن یارانه‌ای به حساب مردم واریز کرد تا اثر آن تصمیم را کاهش دهد.

ولی متاسفانه دولت کنونی با اینکه آقای پزشکیان فرد عدالتخواهی است به آثار اجتماعی و روانی این تصمیم مهم و بزرگ اقتصادی توجه کافی نکرد. رهبری نیز در بیانات اخیر خود اعتراضات بازاریان را به حق دانستند زیرا با این نوسانات پردامنه امکان فعالیت اقتصادی درست وجود ندارد. مردم این را می‌بینند و به همین دلیل احساس می‌کنند که هزینه‌های زندگی آنها هر روز بیشتر می‌شود و دولت توجهی به مشکلات ندارد و این وضعیت باعث شده تا نارضایتی‌ها افزایش یابد.مسئولان یک نظرسنجی واقعی انجام دهند و بر اساس آن ببینند، مردم چه می‌خواهند.در کنار مشکلات اقتصادی شاهد شکاف‌های سیاسی و اجتماعی نیز هستیم که در نهایت باعث می‌شود اعتراضات به جرقه‌هایی تبدیل شوند که به سرعت گسترده می‌شوند. امروز برخی از رسانه‌ها و صداوسیما تلاش می‌کنند که اعتراضات را فقط به عوامل خارجی نسبت دهند ولی حقیقت این است که مشکلات اصلی در داخل کشور و در درون جامعه وجود دارند. آنها خبر ندارند که در متن جامعه چه می‌گذرد، درست است که هر اعتراضی که صورت می‌گیرد، چند نفر سوءاستفاده گر هم وارد صفوف مردم می‌شوند اما مسئولان یک نظرسنجی واقعی از کف جامعه انجام دهند و ببینند انتظارات مردم چیست و بر اساس آن انتظارات بگویند مردم چه می‌خواهند.

مردم از وضع موجود ناراضی هستند البته نظرسنجی هم انجام شده است و براساس نظرسنجی ایسپا، ۹۲ درصد مردم از وضعیت موجود ناراضی هستند و حاکمیت باید این مسئله را درک کند. ما باید بپذیریم که «رضایت مردم» مهم‌ترین سرمایه جمهوری اسلامی است. در دوران جنگ، مردم با تحمل سختی‌ها و درک شرایط همراه نظام بودند اما در شرایط کنونی نمی‌توان دائم از آنها این همراهی را انتظار داشت.

عوامل نارضایتی مردم به جز مسائل اقتصادی دقیقا چه مسائلی هستند؟

محمود صادقی: در ادبیات برخی مسئولین صحبت از «روز سیزدهم» جنگ می‌شود به معنا که دشمن در جنگ ۱۲ روزه به اهداف خود نرسید و این وقایع اخیر روز سیزدهم آن جنگ است. اما ما در این مدت چه کرده‌ایم؟

حالا در پاسخ به اینکه مطالبات مردم چیست باید گفت که این مطالبات بخش‌های مختلفی دارد؛ بخشی از آن مربوط به مسائل معیشتی و اقتصادی است که زندگی مردم به شدت تحت تاثیر آن است. بخشی دیگر به مطالبات فرهنگی برمی‌گردد، مثل سبک زندگی خاصی است که مسئولین می‌پسندند و می‌خواهند بر مردم تحمیل کند. بخشی از آن آزادی‌های سیاسی است که حق آزادی بیان، آزادی قلم و حق آزادی رای – یعنی نظام سیاسی باید منتخب مردم باشد – را در بر می‌گیرد. در این زمینه‌ها محدودیت‌هایی به صورت تدریجی ایجاد شده است و این محدودیت‌ها روز به روز متراکم‌تر و پیچیده‌تر شده و بر روی هم انباشته شده است.

ممکن است اعتراضات به‌صورت آشکار و در قالب تظاهرات بروز پیدا کند، اما خیلی از زمینه‌ها و مسائل نارضایتی اصلاً آشکار نیستنداعتراضات گاهی ممکن است به‌صورت آشکار و در قالب تظاهرات بروز پیدا کند، اما بسیاری از زمینه‌ها و مسائل بروز نارضایتی اصلاً آشکار نیستند. برای مثال تعداد طلاق‌ها در کشور بروز همان مشکلات و نارضایتی‌ها هستند یا مسائلی مثل دزدی، قتل، مهاجرت و قاچاق، همه نمودهای این وضعیت هستند. این تعداد نخبه که هر روز از کشور مهاجرت می‌کنند – در گذشته فقط نخبه‌های علمی از کشور مهاجرت می‌کردند اما امروز نخبه‌های ورزشی، فعالان اقتصادی، کارآفرینان و افراد زیادی از اقشار مختلف جامعه در حال ترک کشور هستند – اصلا به خیابان هم نمی‌آیند که سر و صدا کنند بلکه نارضایتی خود را به شکل مهاجرت نشان می‌دهند.

هر بار که بحران یا اعتراضاتی پیش می‌آید، وعده‌هایی داده می‌شود، امیدهایی برانگیخته می‌شود، اما به محض اینکه از بحران عبور می‌کنیم، همه چیز به حالت قبل برمی‌گردد. این روند باعث می‌شود که مطالبات مردم در لایه‌های مختلف جامعه متراکم شده و یک باره در جایی سر باز می‌کند.

هنگامی که از آزادی اجتماعی یا سیاسی سخن گفته می‌شود، ممکن است عده‌ای بگویند این مسائل مطالبه کل جامعه نیست بلکه مطالبه عمومی مردم مشکل اقتصادی است و این موضوع را نیز به گردن دولت‌ها می‌اندازند. در حالیکه اتفاقا مطالبه بخشی از جامعه بویژه نسل Z مطالبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز هست که در کنار مطالبات اقتصادی باعث خشم آنها شده است، چرا به این مسائل توجه نمی‌شود؟

محمود صادقی: در کانال تلگرامش نوشت: کسی می‌تواند مذاکره‌کننده خوب و مناسبی باشد که دارای درک روشنی از منافع بلندمدت کشور و فهمی استراتژیک از توازن قوا باشد. خود را درگیر موضوعات حاشیه‌ای و ظاهری و تبلیغاتی نکند. تحریک‌پذیر نباشد و در برابر اظهارات تحریک‌آمیز طرف مقابل، به عکس‌العمل نیفتد و خون به خطوط چهره‌اش ندود!

به تناقضات و آسیب‌پذیری‌های جبهه خود و جبهه مقابل، آگاه و مسلط باشد و با اعتراف تلویحی به اولی، از دومی به عنوان ابزاری اقناعی در تعامل با طرف دیگر استفاده کند. شجاعت را در تهدید و بیان حرف‌های زمخت و درشت نبیند و از امتیاز دادن به قصد امتیاز گرفتن، واهمه نداشته باشد. این یادداشت را به اندازه□ حجم شاهنامه می‌توان ادامه داد، اما....اما اگر از من پرسیده شود که آیا یک نفر با ویژگی‌های فوق را در بین دیپلمات‌ها و مقام‌های کنونی می‌شناسم با صدای بلند می‌گویم که نمی‌شناسم! قاعدتاً کسانی هستند که چیزهایی می‌دانند اما هیجان‌زده و عکس‌العملی برخورد می‌کنند.کسانی هستند که آرام و خونسرد به نظر می‌رسند، اما خونسردی‌شان از سر جهالت نسبت به حجم تهدید است!

جای خالی مذاکره کننده خوب!

خواست مردم از پزشکیان پایان دادن به تنش‌های فرساینده است

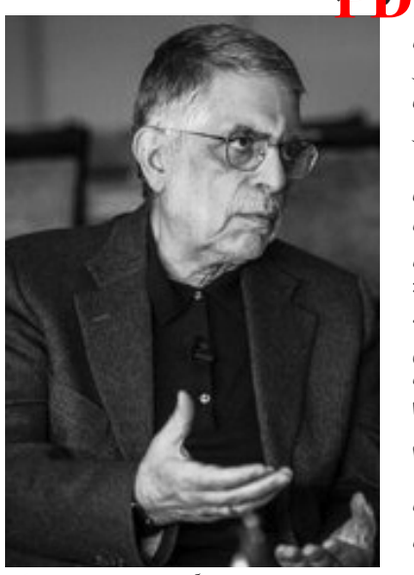

چراکه بالاخره راستی آزمایی می‌شود ولی اگر تعداد جان باختگان همین باشد، هم زیاد است و افتخاری نیست که می گوییم تعداد جان باختگان ۳ هزار نفر بوده است؟ دولت باید از وقوع چنین فاجعه‌ای جلوگیری و پیشگیری می‌کرد.

اگه آقای پزشکیان همان موقع که به نیویورک رفت، مسائل و تحریم‌ها را به جایی می‌رساند، شاید می‌شد از وقوع چنین اتفاقاتی جلوگیری کرد.

کرباسچی همچنین با انتقاد از یادداشت رئیس جمهوری در شبکه اجتماعی ایکس و اشاره‌ی پزشکیان به درخواست دولت‌های دوست در منطقه برای پاسخ به پیشنهاد رئیس‌جمهور آمریکا جهت مذاکره، عنوان کرد: انشاءالله که هیئت مذاکره کننده بروند و مذاکره به جایی برسد اما گلایه بزرگتر مردم از ایشان آن است که آیا رئیس جمهوری در پیام خود صرفا «به خاطر کشورهای همسایه» دستور مذاکره داده است؟ گرچه کشورهای همسایه دل‌شان می‌خواهدکه امنیت باشد و در صورت وجود احتمال جنگ، همه‌شان وحشت می‌کنند اما واقعیت اینست که خواست مردم از رئیس جمهوری پایان دادن به این تنش‌های فرساینده است، ایشان خوب بود در یادداشت خود حداقل می‌نوشت که به خاطر مردم و زندگی و آرامش مردم و به خاطر تامین امنیت کشور.

وی در پاسخ به این پرسش که از نظر جنابعالی بایدها و نبایدهای مذاکره‌ی پیش رو چیست؟ تاکید کرد: من دیپلمات نیست ولی می‌گویم که اگر می‌خواهیم مردم ایران را در نظر بگیریم، به هر قیمتی که شده هم مردمی که به آقای پزشکیان رای دادند و هم کسانی که به ایشان رای ندادند، درخواست‌شان از او این است که کاری کنند تا این مسائل حل شود؛ باید کلیاتی که گفته شده مبنی بر عزت، حکمت و مصلحت همه رعایت شود ولی بالاخره باید تمام شود.

این فعال سیاسی اصلاح طلب با اشاره به وضعیت معیشتی مردم و شرایط اقتصادی کشور ادامه داد: آقای رئیس جمهوری باید کاری کند که از شر این تحریم‌ها خلاص شویم؛ دنیا، دنیای بی رحمی است و آمریکا نیز کشوری قلدر است و اروپا از او بدتر است ولی ما نیز باید مسائل مردم را در نظر بگیریم و برای زندگی، امنیت و اقتصاد مردم کاری کنیم.

غلامحسین کرباسچی به دستور رئیس جمهوری به وزیر امور خارجه برای مذاکره با آمریکا با بیان اینکه «اتخاذ این تصمیم و تلاش و هماهنگی برای آن اقدام خیلی خوب است»، اظهار کرد: شهریور ماه و زمانی که رئیس جمهوری قصد عزیمت به نیویورک جهت سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل را داشت، من درخواست کردم تا با ایشان دیدار کوتاهی داشته باشم اما این اتفاق نیفتاد؛ با این حال آنچه را که میخواستم به آقای پزشکیان بگویم را، در روزنامه نوشتم.

وی افزود: آنچه می‌خواستم به آقای پزشکیان بگویم، این بود که «در سفر به آمریکا، کار مثبتی انجام دهید چرا که بعد از جنگ ۱۲ روزه و این گرفتاری‌های هر روزه مردم از این شرایط و اوضاع و احوال تحریم و عدم امنیت، خسته شده‌اند و شما باید با اختیارات تام به نیویورک بروید و این‌گونه نباشد که مثل قبلی‌ها بروید و برگردید و ملت نیز نفهمند که چی به چی شد؛ شما باید در این سفر برای وضعیت کشور کاری کنید در ایام انتخابات به مردم قول دادید که روابط ایران را با دنیا درست می‌کنید».

این فعال سیاسی اصلاح طلب با اشاره به نقش مرحوم آیت‌الله هاشمی در پایان دادن به جنگ، عنوان کرد: در زمان سفر آقای پزشکیان به نیویورک من و تعداد دیگری از دوستان دیگر برای ایشان نوشتیم که اگر می‌خواهد به این سفر برود، مانند آقای هاشمی در دوران جنگ عمل کنید؛ در دوران جنگ تحمیلی ۸ ساله، وقتی آقای هاشمی احساس کرد که جنگ به جای بحرانی خود رسیده است و امکانات مملکت دیگر پاسخگو نیست و مردم نیز خسته شدند و استقبال از جبهه‌ها کاهش یافته است، نزد امام(ره) رفت و گفت که «اجازه دهید من به عنوان جانشین شما و فرمانده جنگ، پذیرش قطعنامه را اعلام کنم و پس از آن شما به عنوان رهبر بر حق جامعه، مرا محاکمه و حتی تبعید یا اعدام کنید».

کرباسچی با اشاره به آغاز مذاکرات هسته‌ای از سال ۱۳۸۲ گفت: الان بیش از ۲۰ سال است که در حال مذاکره بر سر مسئله هسته‌ای هستیم و با دنیا در این زمینه جر و بحث می‌کنیم؛ یک روز قبول می‌کنیم و یک روز قبول نمی‌کنیم؛ یک روز آنها قبول می‌کنند و یک روز فردی مانند ترامپ می‌آید و بدعهدی می‌کند و بعد ما نمی‌دانیم که در مقابل او چه کار کنیم. همه‌ی این‌ها در شرایطی است که مردم دیگر از این جریان مذاکرات خسته شده اند و کلمه مذاکرات برای مردم کسل کننده شده است.

وی با انتقاد از وضعیت بی ثباتی نرخ ارز و همچنین گرانی‌ها به اعتراضات دی ماه سال جاری اشاره و اظهار کرد: بهانه‌ی همین حوادث فاجعه باری که پیش آمده این بود که ما تحریم هستیم و فروش نفت با مشکل مواجه شده و دلار نداریم و باید ارز ترجیهی را حذف کنیم؛ در ابتدا بازار شلوغ شد و بعد از آن اتفاقات فجیعی رخ داد که در تاریخ انقلاب که هیچ، حتی در تاریخ ایران نیز بی سابقه است. البته کار خیلی خوبی کردند که اسامی جان باختگان را اعلام کردند

PDF Compressor Free Version

آگهی فقدان سند مالکیت

نظریه فقدان در اثر جابجایی ورقه مالکیت اشرف زهتابی فرزند صفر علی شماره شناسنامه ۱۱۵ تاریخ تولد ۱۳۳۲ دارای شماره ملی ۱۷۲۹۳۶۱۷۶۵ با جز سهم ۱ از کل سهم ۷ بعنوان مالک یک سهم مشاع از هفت سهم عرصه و اعیان متن سهم یک سهم مشاع از هفت سهم ششدانگ یک قطعه زمین وضعیت خاص طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۱۰۵۰۹ فرعی از ۵۱ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۸۷۵ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۷ در طبقه و واقع در بخش ۱۶ ناحیه .. حوزه ثبت ملک شبستر استان آذربایجان شرقی به مساحت ۱۷۸.۶۲ متر مربع با شماره مستند مالکیت ۱۰۴/۸/۱۵۸۷۳ تاریخ ۱۳۸۹/۰۹/۱۵ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۶۰۸۲۵ سری الف سال ۸۹ که در صفحه ۱۱۵ دفتر املاک جلد ۲۴۱ ذیل شماره ۴۱۰۶۶ ثبت گردیده است.حقوق ارتفاقی ملک ندارد. محدودیت ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت و تبصره ذیل آن مراتب یک نوبت اگهی و متذکر می گردد هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد بایستی ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت رسمی به این اداره تسلیم نماید ، بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض بدون سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد
تاریخ انتشار: شنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۴ شناسه آگهی : ۲۱۱۷۰۶۱

صمد خاکپور اقدم طسوج- مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شبستر

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به فقدان در اثر اسباب کشی ورقه مالکیت بابا الیاسی فرزند حبیب شماره شناسنامه ۳۴۹۴ تاریخ تولد ۱۳۳۳/۰۷/۰۱ صادره از شبستر دارای شماره ملی ۱۷۲۸۷۵۸۴۴۰ با جز سهم ۳۱ از کل سهم ۷۰ بعنوان مالک سی و یک سهم مشاع از هفتاد سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۴۵۱۵۶ تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵ شهر شبستر استان آذربایجان ،شرقی موضوع سند مالکیت تعویضی بشماره چاپی ۶۸۱۶۸۶ سری ب سال ۰۳ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۴۲۰۳۰۴۰۱۳۰۰۰۶۷۷ ثبت گردیده است. و مالکیت امیر الیاسی فرزند بابا با شماره شناسنامه ۱۷۲۰۱۲۸۶۹۳ تاریخ تولد ۱۳۷۴/۰۲/۰۷ صادره از شبستر دارای شماره ملی ۱۷۲۰۱۲۸۶۹۳ با جز سهم ۳۱ از کل سهم ۷۰ بعنوان مالک سی و یک سهم مشاع از هفتاد سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۴۵۱۵۶ تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵ شهر شبستر استان آذربایجان شرقی موضوع سند مالکیت تعویضی بشماره چاپی ۶۸۱۶۸۷ سری ب سال ۰۳ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۴۲۰۳۰۴۰۱۳۰۰۰۶۷۸ ثبت گردیده است.
هر دو در یک قطعه زمین وضعیت خاص طلق با کاربری زراعی باغ به پلاک ثبتی ۳۰۸۳ فرعی از ۵۱ اصلی ، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور ، در طبقه و واقع در بخش ۱۶ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت .. حوزه ثبت ملک شبستر استان آذربایجان شرقی به مساحت ۳۶۹۶.۶ متر مربع
حقوق ارتفاقی ملک ندارد. محدودیت ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت و تبصره ذیل آن مراتب یک نوبت اگهی و متذکر می گردد هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد بایستی ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت رسمی به این اداره تسلیم نماید ، بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض بدون سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد تاریخ انتشار: شنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۴ شناسه آگهی: ۲۱۱۷۱۳۲

صمد خاکپور اقدم طسوج- مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شبستر